

# مشکلات

## خانواده‌ها در آغاز

می‌آیند در کنکور سرتاسری پذیرفته می‌شوند و یا این که این مدرسه مخصوص طبقه و گروه ماست. بچه نیز خود در زمینه‌ای ثبت‌نام و دشواری‌هایی می‌آفریند. دوستان من در این مدرسه‌اند. راه من باین مدرسه نزدیک است، من به فلان مدرسه انیس گرفته‌ام. در این میان گردانندگان مدارس نیز مشکلاتی دارند. زیرا که در آغاز سال هجوم آغاز میشود، مخصوصاً در مورد کلاس ششمی‌ها ها که از دبیرستان‌هایی می‌آیند که ششم متوسطه ندارند. گویا بسیاری از دبیرستان‌های ملی کلاس ششم نمی‌گشایند که خرجش زیاد است و برایشان صرف نمی‌کند.

به گوش من، که سر سبز کنار دکتر حکمت نشسته‌ام، تا از توتون پیمپ بسیار دلپذیرش سهمی داشته باشم، همه‌ی این حرف‌های مدنی درست است و

و تا چه میزان آرایش کند. این که ناهار بدهند یا ندهند مسئله نیست، پرسش بر سر آن است که اگر ناهار می‌دهند، چنان باشد که دانش‌آموز ساندویچ سرکوجه را به ناهار مدرسه ترجیح ندهد. آقای مدنی، با اشاره به مشکل ثبت‌نام دانش‌آموزان باین نکته تکیه می‌کند که دشواری ثبت‌نام در کنار دشواری‌های دیگر چشمگیرتر است. از سوی دیگر هر سال تحصیلی با ثبت‌نام آغاز میشود و سپس دشواری‌هایی همانند لباس و رفت و آمد بدتبال می‌آید. مدنی دشواری‌های ثبت‌نام را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند. گاه پدران و مادرانی دیده می‌شوند که برای ثبت‌نام فرزند خویش در مدرسه‌ی ویژه‌ای اصرار می‌ورزند، تکیه کلاشان این است که این مدرسه، امتحان خود را داده، همه‌ی بچه‌هایی که از آن بیرون

میزگرد اخیر انجمن ملی اولیاء و سرپیان ایران، بمشکلات خانواده‌ها در آستانه‌ی سال تحصیلی تازه، اختصاص یافته است. خانم دکتر آصفی جلسه‌ی گفت و شنود را می‌گشاید و یادآور می‌شود که بحث، در چهارچوب صورت و یا دستور جلسه محدود نشده است. در دستور جلسه‌ی مسئله را پیش کشیده‌اند:

- ۱- لباس و سرو وضع بچه‌ها و آرایش دختران دانش‌آموز.
- ۲- دشواری‌های رفت و آمد دانش‌آموزان، ساعت‌های آغاز و پایان مدرسه‌ها
- ۳- ناهار بچه‌ها در مدرسه‌ی که یکسره است.

خانم دکتر آصفی هشدار می‌دهد، به متن و محتوای دشواری‌ها پردازیم، در مسئله‌ی پوشش یکنواخت برای دانش‌آموزان زرشکی یا آبی مطرح نیست. می‌خواهیم بدانیم که دانش‌آموز چگونه باید بپوشد

# سال تحصیلی تازه



نمی‌آید، یکی که از سد پیروی می‌کند، دامن را کوتاه می‌گیرد و دیگری که به سنت‌ها پایند است روپوش بلند می‌پوشد، چاره آن است که خیاط بمدرسه بیاید و برابر استاندارد، روپوش

بچه‌ها را به میان می‌کشد؛ جنس پارچه‌ها بد است و چون روپوش‌ها را خیاطان گوناگون می‌دوزند و از قواره‌های پیش برداخته‌ای استفاده نمی‌شود، روپوش‌ها یکنواخت از آب در

و درخور بررسی و توجه بیشتر، اما اعضای دیگر سبزرگد ترجیح می‌دهند که از حدود دستور جلسه بیرون نروند و همین که نوبت فرصت به آقای مسلم - عظیمی می‌رسد موضوع لباس

# مشکلات خانوادۀ ها در آغاز سال تحصیلی تازه

ها را بدوزد و تحویل بدهد. من با پوشش یکنواخت موافقم اما با این روش موافق نیستم که اگر کسی روپوش نپوشیده او را جلوی صف بکشند و روی سینه یا پیشانی اش علامت ضریدر بگذارند، این کار توهین به دانش آموز است. شنیده ام (که البته این یک حاشیه روی است) که هنوز در برخی از دبیرستان های دولتی چوب و فلک در کار است و چوب های گوناگون از درخت ازگیل و آلبالو که درجه بندی شده، بعضی نازک است و بعضی کلفت که البته از کلاس تا کلاس - ضخامت چوب ها فرق می کند.

مسلم است که وقتی بازرس وزارتخانه می آید، نظام (جمع ناظم) این چوب ها را پنهان می کنند. البته در دبیرستان های ملی چون خوب پول می گیرند خبری از چوب هم نیست و زمزمه ی محبت، که گاه مصنوعی و به قصد فریب است، در این مدرسه ها گه گذاری شنیده می شود. در آن مدارس دولتی اگر دخترها

روپوش نپوشند چوب می خورند و یا رسوا می شوند، اما در این مدرسه های ملی لباس فرم را اگر نپوشیدی، نپوشیدی. پیرامون رفت و آمد، بارها گفته اند و گوش شنوائی نبوده که باید ساعات ایاب و ذهاب را از هم زمانی بیرون آورد. حال تمام مدرسه ها و ادارها و کارخانه ها و مغازه ها تقریباً هم زمان باز می شوند و همه به خیابانها هجوم می آورند تا یکی بکارش برسد و یکی به مدرسه اش. آشکار است که در این زمینه ما نمی توانیم تصمیم بگیریم و انجمن اولیاء و سر بیان باید

هشدار بدهد به اداره ی - راهنمائی و رانندگی، تا تصمیم مناسب بگیرند. این نکته را هم بگویم که اولیاء مدارس نباید برای تأخیرهای جزئی سخت بگیرند خوب، این ترافیک بدو غلط سبب می شود که بچه دیر بمدرسه برود و این طبیعی است، اما همین که بچه از در مدرسه می خواهد تو برود، باید طعنه ی دربان

را تحویل بگیرد که تا به حال کجا مانده ای و سپس فرصتی بدست ناظم می افتد و توپ و تشر و تازه آقای دبیر به این بچه به بهانه ی آنکه دیر رسیده و اول درس را نشنیده اجازه ی ورود و شرکت در کلاس را نمیدهد و اگر اجازه داد بچه بکلاس آید آوای بچه ها بر می خیزد که: چراغ را فوت کرده ای؟ اما در مورد ناهار بچه ها . . . باید به راستی تدبیری اندیشید، زیرا این که میان ساعات درس بچه ها از مدرسه بیرون برود تا در یک دکه ی مشروب فروشی یا اغذیه فروشی، ناهار بخورد مطلقاً درست نیست.

خالم پزشکی رئیس دبیرستان آرم که تازه از فرنگ برگشته، با لباس براژنده ای که پیدا است سوقات فرنگ است در صندلی خود جا به جا می شود و رشته ی سخن را بدست می گیرد: در یک جلسه به سه موضوع که هر یک درخور توجه بسیار است نمی توان پرداخت. حق آن بود که این سه موضوع را از یکدیگر تفکیک می کردید و



برای هر موضوع جلسه‌ی خاصی ترتیب می‌دادید. بهر تقدیر در ارتباط با این سئوالاتی که پیش کشیده‌اید، برای من سئوالی پیش می‌آید. نمی‌دانم چرا وزارت آموزش و پرورش نسبت به روهوش بکنواخت برای دختران سخت می‌گیرد اما پسران تافته‌ی جدا بافته‌اند. درست است که من در این سفر بخارج میان جوانها و ولنگاری فراوان دیده‌ام که جوانان خودمان را روسفید می‌کنند، اما غافل نباید بود که ولنگاری سخت به سوی نسو جوانان ما می‌تازد و آهسته

آهسته چهره‌ی نوجوانان مخصوصاً پسرها دگرگون می‌شود و پدربایه‌های زشتی از این ولنگاری مدرن را بخود می‌چسباند. ما این واقعیت را نباید فراموش کنیم که زن هر جا باشد و در هر موقع و مقام به پوشش و آرایش خود کمال توجه و اعتنا را دارد (و من یکبار دیگر خانم پزشکی را دیدم که با آن آرایش مطلوب و دلپذیر گیسو و پدراهن برازنده و یک بار دیگر آرزو می‌کنم همی خالهما در هر شغل و مقام اجتماعی همواره به سرو وضعشان بپردازند و فراموش نکنند که یک‌زنند و زن نمیتواند

بی‌پوشش مناسب و بی‌آرایش متعارف و معمول در جامعه ظاهر بشود) و طبیعی است که دانش‌آسوزان دختر دلشان می‌خواهد که پوشش زیبا ویرازنده بپوشند. اما ما چه پارچه‌هایی را برای روهوش برمی‌گزینیم، پارچه‌ای که با یکبار شستن از ریخت می‌افتد و چه مدل‌هایی که گاه شبیه به کیسه‌های سیب‌زمینی و برنج است. چرا در انتخاب رنگ و مدل روهوش دخترها را دخالت نمی‌دهید و سلیقه آنها را نمی‌پرسید. مگر همه چیز را حتی لباس پوشیدن را باید تحمیل کرد.

ابوالقاسم پرتواعظم (دنباله دارد)